

الشیخ ودیع الخازن

(نویسنده و روزنامه‌نگار)

تبلیغات صهیونیستی درباره مبارزات فلسطینیان با اشغال‌گران
و راهکارهای رویارویی با آن

سیطره صهیونیسم رسانه‌ای

دبلیو بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، به دنبال آن، جنگ خود را علیه (به اصطلاح) تروریسم علنی کرد، غنیمت شمردند تا بدین ترتیب به جهانیان تلقین کنند که مبارزات فلسطینیان اقداماتی تروریستی بر ضد بی‌گناهان است و اسرائیلی‌ها قربانی دیگر تروریسم هستند.

به دنبال محدودیت تأثیرگذاری جریان اطلاع‌رسانی عربی در ایالات متحده، به دلیل تعامل تجاری و اقتصادی و نه تعامل ناشی از حساسیت نسبت به مسائل جهان عرب، میدان برای اطلاع‌رسانی طرف مقابل بازماند تا با به‌بازی گرفتن احساسات گروهی و فرقه‌ای، فضایی آکنده از تشنج و بحران را بر ضد مسلمانان عرب آمریکایی در ایالات متحده حاکم سازد و گسترش بخشد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا کوتاهی و اهمال جریان اطلاع‌رسانی عربی، ناشی از نوع تفکر آن است یا برخاسته از ابزارها و امکانات رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی‌اش؟

بی‌تردید، تفکر اطلاع‌رسانی عربی از پشتوانه انسانی قابل توجهی

کنفرانس جاری که شبکه تلویزیونی المنار آن را به‌عنوان سلاحی فرهنگی در کنار سلاح نظامی بر گزار کرده است، با توجه به خطری بودن نقش اطلاع‌رسانی در جهان کنونی بسیار حائز اهمیت است. خاصه آن که صهیونیست‌ها مراکز مدرن و پیشرفته‌ای را در ایالات متحده و برخی کشورهای غربی از آن خود کرده‌اند.

از رهگذر اطلاع‌رسانی بود که کمونیسم توانست افکار و عقاید خود را در نقاط مختلف جهان منتشر کند و نیز با استفاده از اطلاع‌رسانی، هیتلر توانست آریایی‌ها (ژرمن‌ها) را برای حمله به کشورهای جهان با خود همراه سازد. سلاح فرهنگی، با برد بسیار مطلوب، کم‌اهمیت‌تر و کم‌توان‌تر از قدرت نظامی‌ای است که مبارزان فلسطینی فاقد آنند. قدرتی که مبارزان فلسطینی براساس حق خویش در مبارزه با اشغال‌گران و باطل بودن این اشغال‌گری‌ها از آن بهره می‌گیرند و منشورها و قوانین بین‌المللی بدان اذعان دارند.

اشغال‌گران اسرائیلی، فرصت یازده سپتامبر آمریکا را که جرح

ساده‌ترین افراد، بهره می‌برد. در عین حال، گفتمان وی در حوزه محدودی از مطبوعات محلی آمریکا و مطبوعات عربی کم‌اهمیت در غرب، محصور مانده است. اگر بر این فرد و هم‌تایان وی مقدر شده بود که حقایق محض را که افشاگر ماهیت اسرائیل نژادپرست و اقدامات بربری‌مآبانه آن بر ضد فلسطینیان در سرزمین و میراث دینی‌شان باشد به اطلاع آمریکاییان برسانند، هرآینه روند سیاست آمریکا در خاورمیانه، یعنی دنباله‌روی کورکورانه از منافع دشمن، تغییر جهت می‌یافت، اما جریان رسانه‌ای تحت سیطره لابی صهیونیستی و دارای خط مشی ضدیت با جهان عرب و مسلمانان، این پیش‌گامان خردورز و روشن‌فکر را به حاشیه جامعه آمریکایی رانده است، زیرا این گروه از هرگونه قدرت اطلاع‌رسانی‌ای برای بیان مشاهدات و نظریات خود بی‌بهره‌اند.

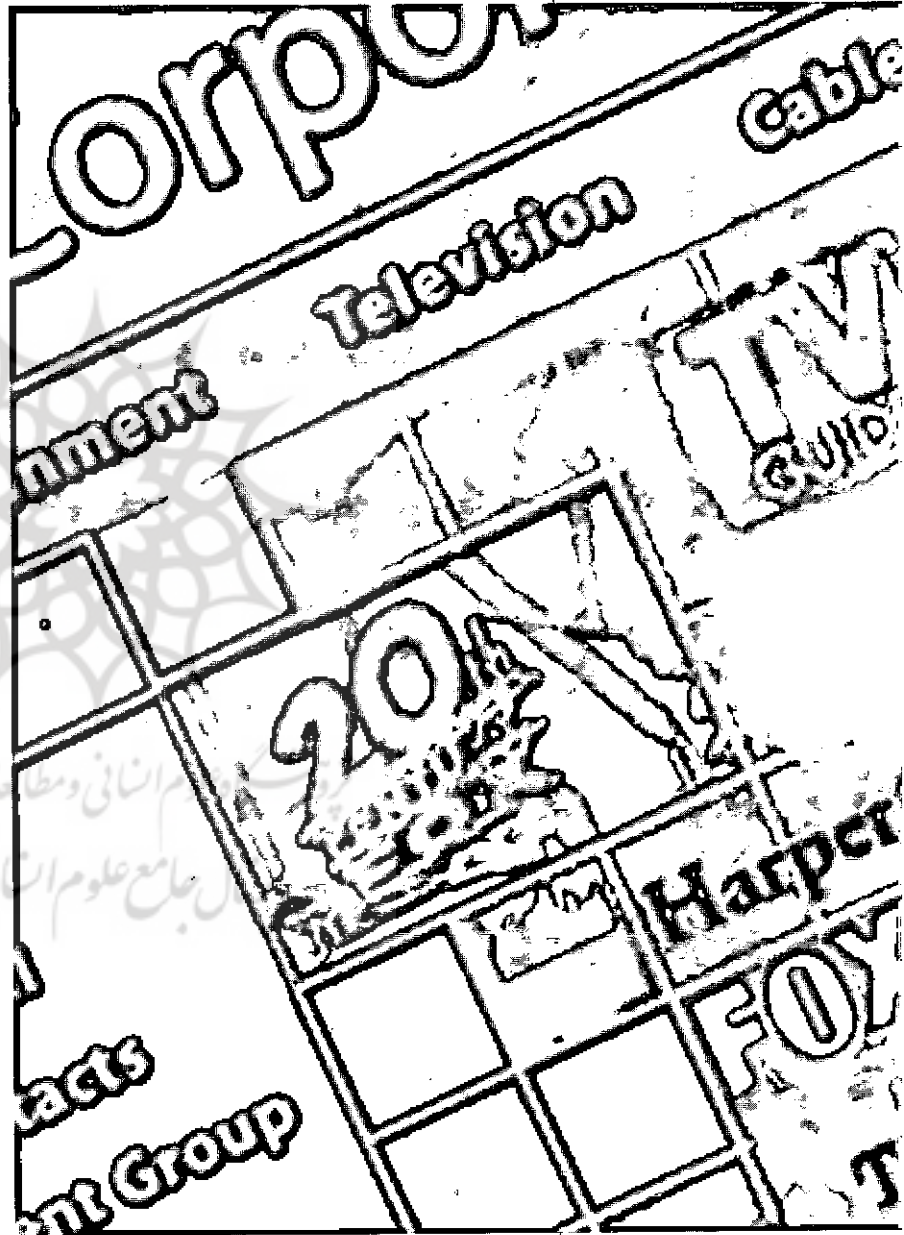
این موضوع دیری نخواهد پایید؛ همان‌گونه که نژاد آرایی در میانه دهه سوم قرن گذشته، از ماهیت اختاپوسی صهیونیسم در آلمان آگاه شد، یانکی‌ها نیز در ایالات متحده علیه سیطره اطلاع‌رسانی بی‌پایه و اساس صهیونیستی به‌پا خواهند خاست.

اگر تمامی این‌ها را به کناری نهیم و نادیده بینگاریم، نمی‌توان از حادثه کشتی تجسسی آمریکا، موسوم به «یواس اس لیبرتی»، در جنگ شش‌روزه سال ۱۹۶۷ به‌آسانی گذشت. این کشتی را جنگنده‌های اسرائیلی بمباران کردند و پرسنل آن را با قایق‌های نجات تعقیب کردند تا هیچ فردی خبر جنایات اسرائیل را منتشر نسازد. در خلال این حادثه، هفتاد نفر کشته و زخمی شدند. تمام این اقدامات از آن‌رو صورت گرفت که کشتی لیبرتی، عکس‌ها و تصاویری انکارنشدنی از جنایات نظامیان اسرائیلی در «لعریش» مصر در اختیار داشت که ده‌ها اسیر مصری را در آن‌جا به قتل رسانده بودند.

با این همه، قدرت‌های صهیونیستی که از طریق سرمایه و به کمک جریان اطلاع‌رسانی خود بر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا استیلا یافته بودند، با اعمال فشار بر لیتدون جانسون، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، وی را واداشتند تا اقدامات‌شان را در قتل سربازان مصری نوعی خطا و اشتباه پیش‌آمده میان دو کشور دوست و متحد تلقی کند؛ همان‌گونه که رسانه‌های گروهی هم‌فکر با رژیم صهیونیستی در فلسطین نیز این ادعا را غلیم کردند.

اما تا چه هنگام این نیرنگ‌بازی‌های منفور در آمریکا استمرار و تداوم خواهد یافت؟ برای رویارویی با خطر در درون سنگر آنان، یعنی در خاک آمریکا، چاره‌ای جز یک طرح اطلاع‌رسانی وجود ندارد، حتی اگر در ابتدا چندان قوی به نظر نرسد، باید روزنه‌هایی رسانه‌ای را برای آگاه‌اندن آمریکاییان و جهان غرب از کشتارهای صورت‌گرفته در سرزمین فلسطین بیابیم و این را آشکار سازیم که عملیات شهادت‌طلبانه، اوج رویارویی با جان و هستی برای جلوگیری از ستم ستم‌پیشگان است و تنها به اندازه‌ای است که از اعمال سیاست خون‌ریزی اسرائیل علیه ملت فلسطین جلوگیری کنیم.

این موارد، جدای از طرح‌های توسعه‌طلبانه‌ای است که با ساخت



برخوردار است. برای مثال، سلسله مقالات دکتر ادوارد سعید، استاد دانشگاه و اندیشمند آمریکایی فلسطینی‌تبار که درباره مسأله فلسطین و خاورمیانه نوشته است و در تمامی آن‌ها از منطق، شواهد و مستندات و دوراندیشی‌های قانع‌کننده‌ای برای حتی

ABC NEWS ONLINE

شهرک‌های جدید یهودی‌نشین در اراضی فلسطین و اشغال جولان استمرار می‌یابد؛ به‌جز یک طرح که به شکست انجامید. آن هم به‌واسطه آزادسازی بخش اعظم جنوب لبنان در سایه سیاست حکیمانه سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان و در پیش گرفتن این راه از سوی نیروهای مبارز لبنانی با حمایت امیل لحود رئیس‌جمهوری لبنان و بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه کمالین که شبکه المنار نیز نقش پیشگامانه‌ای را در عرصه تصویر حقیقی مبارزه شرافتمندانه ایفا کرد.

مقاومت لبنان با شهادت فرزندان مرزبوم خود، تاوان سنگینی را در مسیر مبارزاتی‌اش علیه اشغال‌گران پرداخت و در حال حاضر، از طریق مذاکرات پیچیده به میانجی‌گری پرداخته است، اخیراً نیز توانست دولت اسرائیل را به تحویل پیکرهای دو شهید در مقابل آگاهی از سرنوشت خلبان خود «رون آراد»، وادارد.

رژیم صهیونیستی - همان‌گونه که همه می‌دانند - نتوانسته است منطق حق را بفهمد و خواسته‌هایی را که سازمان ملل متحد مطرح کرده و پس از گذشت ربع قرن، هنوز به آن جامه عمل نپوشانیده است، درک کند؛ بلکه تنها همان منطق زور و سرسختی که خود علیه ملت‌های منطقه به کار می‌گیرد، برایش قابل فهم و درک است. ما این‌گونه می‌توانیم افکار عمومی جهان و خاصه آمریکا را از حقایق قضایا و مسائل آگاه سازیم.

این امر، گشایش و ایجاد ادارهای خاص را در واشنگتن می‌طلبد که اعضای آن باید از نخبگان اندیشمند عرب باشند، اندیشمندانی صاحب پست‌های دانشگاهی اثرگذار در ایالات متحده و نیز از میان اطرافیان و نزدیکان سیاست‌گذارانی که در درجه اول، حفظ آینده سیاسی خود در هر انتخابات برای‌شان مهم است:

طبعاً این اداره و فعالیت‌های آن، حمایتی مادی را برای رویارویی با سرمایه‌داران می‌طلبد. سرمایه‌دارانی که صهیونیست‌ها آن‌ها را برای تعیین نمایندگان مجلس سنا و کنگره و ریاست‌جمهوری آمریکا، به‌منظور خدمت به منافع آنان در داخل و خارج این کشور و به‌ویژه خدمت به منافع مهم اسرائیل، به‌کار می‌گیرند، زیرا رویارویی با این تأثیرات فراگیر که از پوشش رسانه‌ای گسترده‌ای برخوردار است، باید با مقابله‌به‌مثل - به‌منظور توقف دخالت‌های صهیونیست‌ها در تصمیمات و سیاست‌های آمریکا - مواجه شود.

گذشته از این، ضروری است که اطلاع‌رسانی عربی از طریق تریبون‌ها و بلندگوهای خود یا با برگزاری همایش‌هایی، عمق ضررهای ناشی از جانب‌داری دولت ایالات متحده از منافع صهیونیست‌ها و در نتیجه زبان‌های واردشده به خزانه آمریکا را که توسط مالیات‌دهندگان آمریکایی تغذیه و تأمین می‌شود، به مردم و شهروندان این کشور گوشزد کند. این خط‌مشی رسانه‌ای دوگانه، می‌تواند پایه و اساسی محکم برای ایجاد پل جدید ارتباطی در روابط میان کشورهای عربی و آمریکا، به‌وجود آورد و بالطبع امری ناممکن نیز نیست. پس زمانی که این اداره و امکانات فراهم شد و شکل یافت، می‌توان گفت که تحول مطلوب آغاز شده است.

آن چه مهم و ضروری می‌نماید، صورت‌دادن به حملات مقابله‌به‌مثل،

پیش از فرارسیدن موعد برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا است، چرا که قدرت‌های صهیونیست - بی‌هیچ تردیدی - از این انتخابات برای تسریع حضور اقتصادی خود در خاورمیانه و در رأس آن‌ها عراق بهره خواهند برد. در عراق، شرکت‌های صهیونیستی با نام‌ها و عناوینی به‌ظاهر آمریکایی، اقدام به عقد قراردادهای گاز و نفت کرده‌اند و هم‌چنین محصولات و کالاهای اسرائیلی از طریق اردن به عراق صادر می‌شوند. البته این‌ها جدای از طرح‌های مربوط به آب است که صهیونیست‌ها سعی در تحمیل آن‌ها از خلال روند صلح خواهند کرد.

اما «تقشه راه» چیزی نیست به‌جز روی دیگر سکه این روند صلح که برخی از اعضای کنگره آمریکا به‌دنبال اجرای آن هستند، آن هم به زور و اکراه تا طی اقدامی نظامی، ارتش اشغال‌گر آمریکا به اراضی فلسطینی وارد شود و این نتایج حاصل شود: راه‌حلی امنیتی ضامن اطمینان خاطر دولت یهودیان، برپایی یک حکومت کوچک فلسطینی، اسکان آوارگان فلسطینی در هر جا که هستند، دعوت از فلسطینیان اراضی اشغالی برای اشتغال به کار در عراق به‌منظور کاهش دل‌مشغولی دموگرافی (مطالعه جمعیت یا جمعیت‌شناسی) نگران‌کننده دولت یهودیان.

بنابراین گروه‌های مبارز لبنانی و فلسطینی، با توجه به جنبه‌های منفی چنین راه‌حلی‌هایی، می‌باید یک طرح مشترک عملی ارائه دهند و برای ممانعت از نابودی فلسطین و تبدیل آن به اقلیت نژادی یا مذهبی محاصره‌شده، از جریان اطلاع‌رسانی بهره‌گیری کنند.

در این راه نباید توطئه‌هایی را که برای ناآرام کردن کشورهای منطقه صورت می‌گیرد، دست‌کم گرفت؛ توطئه‌هایی که برای ایجاد فدرالیسم منجر به طمع‌ورزی صهیونیست‌ها و برای غارت ثروت‌های ملی این کشورها طراحی شده است.

در این جا، رویارویی با این توطئه‌ها در سطح جهانی که تل‌آویو آن را پوششی برای اهداف تقسیم‌گرانه خود در منطقه به‌کار می‌گیرد، اهمیت فراوان می‌یابد. بنابراین، اگر در زمینه این هدف ترسیم‌شده از طریق نظامی و فرهنگی سرمایه‌گذاری کنیم، دولت آمریکا در مواجهه با سبیل مردمی ردکننده این اهداف ترسیمی، با مشکل فراوان مواجه خواهد شد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از تمامی برادران و خواهران مسؤول در شبکه المنار - صدای رسای مقاومت لبنان و فلسطین - به‌خاطر برگزاری این کنفرانس اطلاع‌رسانی موفق در تمامی جنبه‌ها و طرح‌ها سپاس‌گذاری کنم. ■